

بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر

دریافت مقاله: ۹۱/۲/۳۰ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۱/۲۳

صفحات: ۲۴۱-۲۱۷

کرامت اله زیاری: استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

Email: Zayyari@ut.ac.ir

معصومه مهدیان بهنمیری: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گلستان و مدرس دانشگاه

پیام‌نور واحد هادی شهر^۱

Email: M.Mahdian65@gmail.com

علی مهدی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

Email: Ali_Mas7@yahoo.com

چکیده

امروزه در آغاز قرن ۲۱، بحران برنامه‌ریزی و کیفیت زندگی شهری در اکثر نقاط جهان، ابعاد گسترده‌ای یافته و موجب گردیده وعده آرمانشهر مدنی، تعالی انسان و عدالت فضایی در جوامع سرمایه‌داری غرب، همچنین وعده‌های ایدئولوژی و آرمانگرایی کمونیسم مبتنی بر برخورداری یکسان افراد از مواهب رشد و توسعه در کسب جهان مادی و معنوی، در عمل توهمی بیش نباشد. شهرهای امروزی بویژه در کشورهای در حال توسعه، با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی مستمر، بیش از هر دوره دیگری نیازمند توجه به برقراری عدالت فضایی در برخورداری مطلوب از خدمات مختلف شهری می‌باشند. در این میان، موضوع خدمات‌رسانی و برخورداری نامناسب و گاه متناقض مناطق مختلف شهرها از خدمات عمومی، با مفهوم عدالت فضایی در تضاد است، بطوری‌که کاستی‌های موجود در تأمین این خدمات از اساسی‌ترین چالش‌های موجود در شهرهای جهان بویژه شهرهای کشورهای در حال توسعه است. از این‌رو پژوهش حاضر با توجه به مفهوم عدالت فضایی، کیفیت برخورداری و دسترسی مناسب ساکنین محلات مختلف شهر بابلسر از خدمات عمومی شهری، به بررسی میزان برخورداری محلات ۱۱ گانه این شهر از خدمات مذکور پرداخته است. روش پژوهش در تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شده است. استفاده از مدل آنالیز

¹ نویسنده مسئول: مازندران- بابلسر- بهنمیر- گلستان-۵- پلاک ۷۳ کد پستی: ۴۷۴۴۱-۳۸۴۷۵

تاکسونامی و تدوین پرسشنامه، مهم‌ترین مراحل کار در این زمینه بوده است و نتایج آن که با استفاده از نرم‌افزار SPSS و ArcGIS بوده، نشان می‌دهد که بین جمعیت به-عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در ارائه خدمات و میزان برخورداری محلات مختلف شهر از خدمات شهری رابطه متناسبی برقرار نیست و غالب ساکنین محلات نیز از وضعیت دسترسی به خدمات مذکور رضایت ندارند.

کلید واژگان: عدالت فضایی، خدمات شهری، آرمانشهر مدنی، آنالیز تاکسونامی، شهر بابلسر

مقدمه

در نیم قرن اخیر شهرها بواسطه افزایش شهرنشینی که امروزه از مهم‌ترین جنبه‌های تغییر جهانی است (Liu et al, 2007:597)، مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده (Qadeer, 2004:1) و تغییرات وسیعی نیز از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری زمین ایجاد نموده است (Nam and Jun Yu, 2007:96). به گونه‌ای که می‌توان گفت، جمعیت شهرها افزایش یافته است ولی خدماتی که پاسخگوی نیازهای مختلف آنها باشد، به گونه‌ای مناسب، پاسخگوی شهروندان نیست (Sohel Rana, 2009:321). چنین وضعیتی که سنخیتی با رشد زیرساختهای شهری نداشته، نیازهای مختلف انسانی را نادیده گرفته و باعث شده تا توسعه فیزیکی شهرها، لجام گسیخته و بدون توجه به پارامترهای انسانی-اجتماعی اتفاق افتد (کرم و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۰). غفلت از این اهداف انسانی و اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل‌های اجتماعی-اقتصادی روبرو و چالش‌های بی‌سابقه‌ای چون بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی و سلامت اجتماعی شهری را سبب گشته است. در این رابطه، توجه به تخصیص منابع از سوی مدیریت شهری، با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی، رضایت جمعیت شهری را به دنبال خواهد داشت، زیرا تخصیص منابع همراه با عدالت اجتماعی، مردم شهری را در سهولت دسترسی به خدمات شهری و نیز افزایش کارایی آنها یاری می‌دهد. بنابراین برخورد صحیح مدیریت شهری با واقعیت پیچیده‌ای چون شهر و ملزومات مختلف نیازمند درک جامع و مدیریت سیستمی شهر بویژه از بعد تأمین امکانات و خدمات مختلف شهری، لزوم پراکنش صحیح آن و اجرای عدالت فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات مناسب زیستی می‌باشد، چرا که "برنامه‌ریزی فضایی همواره با عدالت فضایی رابطه تنگاتنگی دارد" (بهروان، ۱۳۸۶: ۴). البته وجود نابرابری در استاندارد زیستی در بین ساکنین یک شهر،

پدیده جدیدی در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فاحش‌تر بودن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی، پیدایش محلات زیر استاندارد و گسترش خوش-نشینی، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۱). به گونه‌ای که توسعه نابرابر وجود نابرابری‌های گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آن‌ها (شیخی، ۱۳۸۶: ۱۵۶) از جمله ویژگی‌های غالب این کشورها و از عوامل اصلی تشدید و تثیت‌کننده وضعیت نامناسب موجود است. نکته مهم در این ارتباط، این است که وقتی از نابرابری امکانات و خدمات شهری سخن رانده می‌شود، نه فقط باید به عدالت محیطی، بلکه به ارتباط و پیوستگی آن با مفاهیم توسعه اجتماعی، سیاسی و مدیریتی نیز توجه شود، چرا که نبود یا مدیریت نادرست می‌تواند مسائل اساسی از قبیل بی‌نظمی شهری، معضلات اجتماعی، سیاسی و حس وجود بی‌عدالتی در بین افراد جامعه را افزایش دهد (مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی، ۱۳۸۵: ۳). متأسفانه تا بحال، توزیع خدمات عمومی شهری، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله شهرهای مختلف ایران، بیشتر در قالب طرح‌های کاربری اراضی و معیار سرانه کاربری مطالعه شده و به قابلیت کارایی و دسترسی ساکنین از خدمات عمومی شهری، کمتر اهمیت داده شده است، درحالی‌که از عمده‌ترین عناصر ارتقاء دهنده کیفیت محیط شهری، توسعه شاخص‌های دسترسی است و دسترسی مطلوب، یک عامل ضروری برای توفیق پایداری محیط شهری تلقی می‌شود (رهنما و لیس‌آنا، ۱۳۸۵: ۱۳۷) و هرگونه کوتاهی در این فرآیند ممکن است "به رفتارهای خشونت‌آمیز و نندالیسم^۱ که با انگیزه انتقام جویی از جامعه و عملکرد مسئولین شهری انجام می‌شود منجر شود" (کامیار، ۱۳۸۷: ۴۵).

از این‌رو با توجه به اهمیت موضوع و مطالب عنوان شده، مقاله حاضر به بررسی میزان برخورداری محلات یازده گانه شهر بابلسر و رتبه‌بندی این محلات از بُعد جمعیت، کارایی و کیفیت دسترسی ساکنین به خدمات عمومی شهری، با رویکرد عدالت محورانه پرداخته است. در این پژوهش سعی می‌شود تا ضمن تفکیک و سطح بندی محلات شهر بابلسر از لحاظ وضعیت جمعیتی ساکنین و الگوی توزیع کاربری‌های خدمات شهری، به این دو سؤال پاسخ داده شود که آیا بین سطح جمعیت محلات و میزان برخورداری محلات از کاربری‌های خدماتی رابطه معناداری وجود دارد؟ و آیا مردم محلات مختلف از نحوه و چگونگی دسترسی به خدمات مختلف شهری رضایت دارند؟

^۱- رفتارهای ضد شهری که باعث ایجاد خسارات به تأسیسات و تجهیزات عمومی شهری می‌شود (کامیار، ۱۳۸۷: ۴۵).

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

دستیابی به عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری، جهت تخصیص عادلانه هزینه های اجتماعی و برابری استفاده از ظرفیتهای محلی، یکی از اهداف مهم برنامه ریزان شهری است. کسانی که باید تحلیل کنند، چه کسی، چه چیزی را، کجا و چگونه به دست آورد، یا باید به دست آورد (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۷۲). عدالت اجتماعی مفهومی چند بعدی است ولی دو محور بررسی کیفیت زندگی و چگونگی توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی)، همواره محور مطالعات در این زمینه است (Martenz, 2009: 390). این در حالی است که کارکرد اساسی خدمات عمومی شهری و دسترسی متعادل شهروندان بدان نیز به عنوان یکی از مباحث بسیار مهم در مدیریت شهری و پیوند آن با مقوله عدالت اجتماعی است. این مهم با تضمین مساوی بودن فرصت‌ها و توزیع مکانی عملکردها بویژه در ارتباط با جمعیت نقاط مورد مطالعه و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی که نمود عینی و کالبدی آن را می‌توان در کاربری و سرانه‌های مختلف شهری دید، نیز از مباحثی هست که همواره در نگاه خرد به مسئله عدالت اجتماعی و مطالعات شهری، مورد توجه است. در این ارتباط برخی عدالت فضایی را دسترسی برابر به تسهیلات عمومی تعریف نموده و معیار سنجش عدالت هم، میزان فاصله از خدمات بوده است. علاوه بر این تالن و انسپلین معتقدند که برای تحلیل عدالت فضایی، باید بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی تأکید بیشتری صورت بگیرد (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). به عنوان مثال، پژوهشی با استفاده از مدل موریس در شهر اسفراین استان خراسان صورت گرفت. نتیجه این تحقیق مشخص شد که نوعی جدایی‌گزینی فضایی براساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین، در این شهر حاکم است، به گونه‌ای که طبقات اجتماعی-اقتصادی برتر، از کاربری‌های خدماتی مطلوب‌تری برخوردارند و الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی به نفع گروه‌های مرفه‌تر عمل کرده است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین بررسی دیگری در این زمینه در شهر اصفهان، انجام شد. نتایج این پژوهش که در ارتباط با ۱۴ نوع از خدمات شهری در یک دوره زمانی ۱۰ ساله و با استفاده از مدل آنتروپی و تبدیل کویک بود نشان می‌دهد که پراکنش جمعیت در سطح مناطق شهر به علت پراکنش ناصحیح خدمات شهری از وضعیت متعادل برخوردار نیست. این تحقیق، رابطه پراکنش جمعیت و ارتباط آن با وضعیت موجود برخورداری از خدمات شهری را به خوبی نشان می‌دهد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶). در پژوهشی تحت عنوان "سنجش قابلیت دسترسی به خدمات محلی در شهر تهران با

در نظر گرفتن دو رویکرد برابری فرصت‌ها و عدالت نیاز مبنای به بررسی خدمات آموزشی، تجاری و فضای سبز در مقیاس محله پرداخته شد. برای این کار میزان دستیابی بلوک‌های مختلف را با روش مینیمم فاصله و روش فازی ارزیابی و سپس میزان دستیابی ساکنین را با شاخص محرومیت اجتماعی-اقتصادی ساکنین در بلوک‌های شهری مقایسه و ارزیابی شد. نتایج نشان داد نابرابری اندک محله‌های شهر، در دستیابی به خدمات بوده است (Lotfi & Koohsari, 2009). همانگونه که مشاهده می‌شود، هر تحقیق و یا طرحی با اهداف خاصی در این زمینه انجام شده است که در این ارتباط تحقیق حاضر سعی دارد با شناخت مفاهیم مختلف مرتبط با موضوع، به شناخت و تبیین بهتر واژگان کلیدی پژوهش حاضر بپردازد. در این زمینه خدمات، شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با حیات شهری دارند. چگونگی توزیع این خدمات شهری، از مهم‌ترین معیارهای تحلیل وضعیت عدالت شهری و نیز امنیت و آرامش ساکنان آن است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸). شکوئی در این زمینه در تعریفی که از شهر ارائه می‌کند، دسترسی به خدمات مختلف، ساکنان شهر را از اهم موارد عنوان می‌کند که تأمین و ارائه تمامی آن بر عهده شهرداری‌هاست (حسن‌زاده، ۱۳۷۸: ۶). شهرداری‌ها به‌عنوان عنصر اصلی مدیریت شهری جهت ارائه خدمات فوق و تأمین نیازهای شهروندان، باید در شناخت ابعاد مختلف انسانی، فیزیکی، جغرافیایی جامعه مورد نظر، تلاش مضاعفی داشته باشند (شیخی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). مفهوم قابلیت دسترسی نیز از جنبه‌های گوناگون، مانند قابلیت دسترسی فیزیکی، روانی، اقتصادی و مالی که می‌تواند وابسته به ماهیت کاربری اراضی و شبکه حمل و نقل باشد، مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. قابلیت دسترسی در واقع توانایی ساکنین شهر در داشتن یک دسترسی مناسب به منابع، خدمات و ... است. خدمات مختلف عمومی مانند خدمات عمومی شهری، جدا از بُعد مکانی آن، باید محدودیت‌ها، منابع مالی و توانایی فیزیکی افراد، به آسانی در سنجش دسترس آن‌ها قرار گیرد (Kaphle, 2006: 2). شاخص دسترسی، وابسته به تعیین برابری دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی است که نمودی از کیفیت زندگی و توزیع عادلانه فرصت‌ها هستند. مفهوم عدالت نیز از منظرهای مختلفی چون عدالت اجتماعی، فضایی، جغرافیایی و محیطی قابل تأمل است که در این مقاله بیان عدالت از جنبه فضایی (دسترسی و کارایی، بویژه از نظر ساکنین محلات مختلف) آن مورد تأکید است. استفاده از فضاها و توزیع مناسب خدمات عمومی شهری و به عبارتی کامل‌تر عدالت فضایی در جهت توجه به سیاست‌های توسعه پایدار، از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری می‌باشد. صرافی در این رابطه، پاسخگویی به نیازها و تأمین خدمات مختلف مورد نیاز مردم را از سیاست‌های اصلی توسعه پایدار می‌داند (صرافی، ۱۳۷۵: ۴۱). از نقطه نظر جغرافیایی، عدالت

اجتماعی در شهر، مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دستیابی برابر شهروندان به آنهاست، زیرا عدم توزیع عادلانه آنها به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۲). از نظر دیوید هاروی، عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه‌ای باشد که نیازهای جمعیتی را پاسخگو باشد و تخصیص منطقه‌ای منابع را به گونه‌ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند. در واقع عدالت اجتماعی باید دربرگیرنده عدالت توزیعی و تخصیصی باشد، زیرا نمی‌توان منفعت عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیع و تخصیصی در نظر گرفت (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). از طرف دیگر گروه‌های محروم را متوجه گروه‌های مرجع نموده و مشکلات دیگری را ایجاد می‌کند. بنابراین مهم‌ترین رسالت برنامه‌ریزان و مدیران شهری در این زمینه تلاش برای دستیابی به آرمان فرصت‌های برابر در دسترسی گروه‌های مختلف جامعه شهری به خدمات عمومی شهری و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و ماندن آن است. در راستای رسیدن به چنین هدفی، رعایت اصل برابری و دستیابی برابر به فرصت‌های زیست شهری از اولویت‌های اساسی است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۲). مسلماً نابرابری‌های موجود در سطح بسیاری از شهرهای امروزی روز به روز موجب نهادینه شدن شکاف طبقاتی خواهد شد. بنابراین تقسیمات درون شهری صحیح و همه جانبه یکی از عوامل مؤثر در نحوه توزیع کاربری‌های خدماتی با توجه به الگوی سلسله مراتبی آنهاست. عدالت اجتماعی در شهر، زمینه‌ساز حفظ منافع گروه‌های عام و خاص به منظور گسترش بهینه منابع شهر، درآمدها و هزینه‌هاست تا در راستای راهبرد "فقرزدایی" گام برداریم و در چشم‌انداز ترسیم شده، نظاره‌گر تبعیضات اجتماعی نباشیم. این امر محقق نمی‌شود، مگر این‌که مجموعه شهرداری و شورای شهر از چابکی و سرعت لازم برخوردار بوده و با ارائه خدمات انعطاف پذیر و نیروی کاری کاردان و دانش‌پذیر در کنار ساختار مدیریت صحیح، به سمت و سوی مطلوب هدایت شود. از این‌رو با توجه به اینکه، نابرابری بهره‌مندی و نیز ناکارآمدی خدمات در شهرها، از چالش‌های بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ ایران است، نگارندگان مقاله حاضر با استناد به مطالعات مختلفی که در قسمت‌های پیشین بدان اشاره شد و نیز با توجه به اهمیت مقوله مورد نظر، به بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت (به‌عنوان مهم‌ترین اصل در برنامه‌ریزی شهری جهت تخصیص کاربری‌های مختلف)، کارایی و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر، به‌عنوان یکی از شهرهای مهم و توریستی استان مازندران پرداخته است.

الگوی تحلیل پژوهش

دیدگاه تحلیلی این پژوهش، ترکیبی از دیدگاه برابری فرصت‌ها و دیدگاه جبرانی یا نیاز مبناست. به گونه‌ای که در نوع اول، توزیع عادلانه خدمات و کاربری‌ها به عنوان عدالت (برابری) تعریف شده است که هر کس، جدا از ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی، رضایت یا توانایی پرداخت یا ملاک‌های دیگر، منفعت عمومی یکسانی دریافت کند. در نوع دوم، عدالت در توزیع منفعت عمومی باید بر اساس نیاز باشد که تحت عنوان عدالت جبرانی تعریف می‌شود. در این رویکرد، نواحی یا ساکنین محروم جامعه بیشتر توجه می‌شود. به گونه‌ای که این گروه‌ها بتوانند از فرصت‌ها و خدماتی که محرومند، بهرمنند شوند (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). از جمله تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است و میزان دستیابی در قیاس با نیاز و جمعیت ساکنین، معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی بوده، می‌توان به تحقیقات Lotfi & Koohsari (۲۰۰۹)، حاتمی‌نژاد (۱۳۷۸) و خاکپور (۱۳۸۸)، اشاره نمود. از این رو در پژوهش حاضر با دیدگاه تلفیقی از موارد مذکور به مطالعه توزیع خدمات عمومی شهری (کاربری‌ها و سرانه‌های مختلف شهری شهر بابلسر) بر اساس شرایط موجود آن و در ارتباط با وضعیت دسترسی و نیز جمعیت محلات مختلف این شهر، به مطالعه این مهم از دیدگاه عدالت اجتماعی پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

نوع تحقیق این پژوهش، کاربردی و روش آن مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مختلف کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در روش اسنادی و کتابخانه‌ای، مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق، بررسی و گردآوری و آمار و اطلاعات مورد نیاز در رابطه با پژوهش حاضر از طرح تفضیلی شهر بابلسر (۱۳۸۹) اخذ گردیده و نهایتاً از روش میدانی جهت آشنایی و تطبیق اطلاعات کتابخانه‌ای با واقعیات موجود محلات یازده‌گانه شهر استفاده شده است. همچنین به منظور دستیابی به اهداف اصلی این تحقیق که بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر است، ابتدا از تکنیک ساده و کاربردی آنالیز تاکسونامی جهت سنجش میزان برخورداری و همچنین رتبه هر کدام از محلات یازده‌گانه شهر بهره گرفته شده است و در نهایت تعداد ۳۸۰ پرسشنامه کوتاه (در مجموع ۴۱۸۰ پرسشنامه در محلات یازده‌گانه شهر) براساس جدول نمونه‌گیری مورگان- که در غالب طیف لیکرت و دربرگیرنده پرسش‌هایی در زمینه موضوع و اهداف پژوهش می‌باشد، در میان ساکنین محلات مختلف شهر توزیع گردید.

همچنین انجام مصاحبه‌های باز با ساکنین محلات توسط نگارندگان، موضوع عدالت فضایی، برخورداری و دسترسی افراد محلات مختلف شهر، از خدمات عمومی شهری را بهتر تبیین نموده است. در این پژوهش صرفاً به مطالعه سرانه و کاربری‌هایی پرداخته شده است که به شکل مستقیم بر کیفیت زندگی و رضایتمندی شهروندی اثرگذار می‌باشد. بنابراین با توجه به محوریت بحث در توزیع عادلانه سرانه‌ها و دستیابی به رضایت ساکنین و کیفیت زندگی آن‌ها انتخاب متغیرها نیز در این راستا بوده و سرانه کاربری‌هایی چون اداری و نظامی که تأثیر و رابطه مستقیمی بر کیفیت زندگی و رضایتمندی شهروندی از دیدگاه عدالت فضایی ندارد، حذف گردید است.^۱ در نهایت با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Arc GIS، به تحلیل رابطه متغیرها و ترسیم نقشه فضایی از میزان برخورداری از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، و قابلیت دسترسی بر اساس مقوله عدالت فضایی در این شهر پرداخته شده است.

متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای مستقل

- سرانه‌های مختلف کاربری‌های شهری مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان - توزیع جمعیت و دسترسی شهروندان به خدمات مختلف عمومی شهری - عملکرد مدیریت شهری

متغیرهای تابع

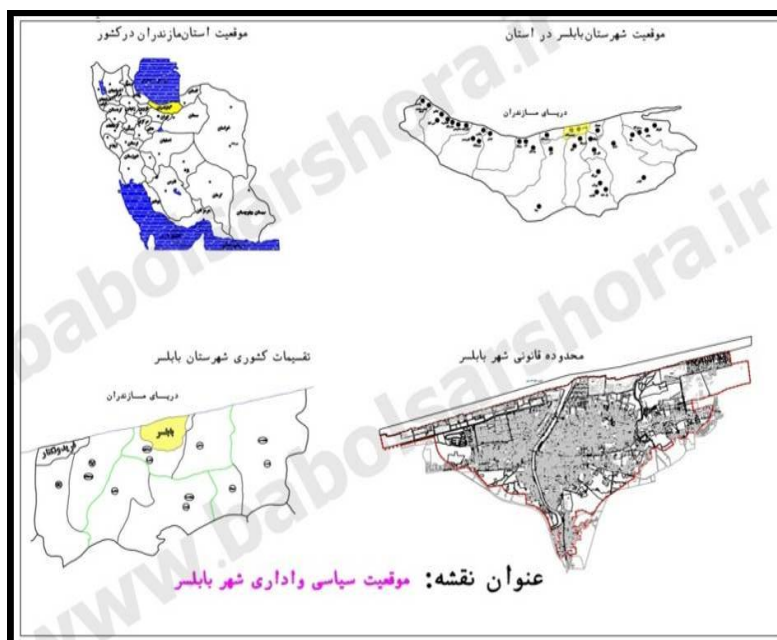
- عدالت فضایی (در ارتباط با متغیرهای مستقل) - رضایت شهروندی از خدمات عمومی شهری - کیفیت زندگی محلات مختلف شهر بابلسر

معرفی منطقه مورد بررسی

شهر بابلسر با ۳۴۵/۷ کیلومتر مربع در نیمه شرقی استان مازندران واقع شده و ۱/۴۶ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است. این شهر بر روی جلگه پست ساحلی جنوب دریای خزر قرار گرفته است و به لحاظ قرارگیری در مسیر شاهراه شرق به غرب استان، وجود جاذبه‌های توریستی، گردشگری و امکانات آموزش عالی، حائز جایگاه ویژه‌ای در استان است (نواهی، ۱۳۸۱: ۲۳). هسته اولیه این شهر در حدود ۹ قرن پیش در جوار امامزاده ابراهیم شکل یافته و توسعه شهر نیز در پیرامون همین هسته و در جوار دو قطب بابلرود و امامزاده ابراهیم

^۱ - البته موارد مذکور نیز در محلات مختلف شهر مورد بررسی قرار گرفته و مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که محلات ۱۰، ۳ و ۹ از این حیث نسبت به سایر محلات از وضعیت مناسبتری برخوردار می‌باشند.

صورت گرفته است. توجه به توریسم و تأسیس امکانات آموزش عالی، عوامل اصلی توسعه شهر در دوره‌های مختلف می‌باشد (رجب‌پورکاری، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۷۲) که در مجموع باعث شده شهر با گذشت زمان افزایش محسوسی در جمعیت خود داشته باشد، طوری که از ۷۲۳۷ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۰۰۳۵ نفر در سال ۱۳۸۵ رسید. این موضوع با توجه به اینکه جمعیت، مبنا و اساس برنامه‌ریزی‌های شهری است، لزوم توجه به بحث خدمات‌رسانی مطلوب برای تمام جمعیت شهر را یادآوری می‌کند.



شکل (۱) موقعیت محدوده مورد مطالعه در سطح ملی و منطقه‌ای

جدول (۱) روند تغییرات جمعیتی شهر بابلسر

سال	جمعیت	تعداد افزایش	درصد افزایش
۱۳۲۵	۷۲۳۷	-	-
۱۳۴۵	۱۸۷۸۱	۴۵۴۴	۶۲/۸
۱۳۵۵	۱۸۸۱۰	۷۰۲۹	۵۹/۶
۱۳۶۵	۲۸۵۸۹	۹۷۷۹	۵۱/۹
۱۳۷۵	۳۸۶۴۴	۱۰۰۵۵	۳۵/۱
۱۳۸۵	۵۰۰۳۵	۱۱۵۵۲	۲۶,۸

مأخذ: مرکز آمار ایران: ۱۳۸۹ و نگارندگان).

یافته‌های تحقیق

در مقاله حاضر جهت بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری شهروندان محلات مختلف که در آن توجه ویژه‌ای به توزیع جمعیت، کارایی و قابلیت دسترسی شهروندان به آن‌ها شده است، در مرحله اول از سرانه کاربری‌های عمومی خدماتی (جدول ۲) استفاده شده است.

جدول (۲) اطلاعات اولیه سرانه کاربری‌های خدمات عمومی شهری به تفکیک محلات

خدمات رفاهی	جهانگردی و پذیرایی	ورزشی	پارک و فضای سبز	تجاری	فلسفی	فرهنگی	نهادی	درمانی	کاربری‌ها محلات
-	۰/۲	-	۱/۱	۳/۶	۰/۴	-	۰/۰۶	۱۱	محله ۱
۶/۰۷	۲۴/۶	۰/۱	۴/۳	۲/۰۱	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۵	محله ۲
۱۳/۷	۲۸/۸	۱۰/۹	۷/۳	۲/۰	۱/۴	-	۰/۰۷	۳/۰۷	محله ۳
-/۱	۳/۴	۰/۵	۷/۷	۰/۱	۰/۵	-	۰/۰۳	۰/۹	محله ۴
۷۸	۰/۳	۰/۱	۰/۴	۱/۳	۰/۴	-	-	-	محله ۵
۵۵/۹	۰/۰۴	-	۰/۴	۴/۲	۱/۰۹	-	۰/۰۹	-	محله ۶
-	۰/۰۶	۴/۴	-	۲/۰	۱/۰	-	۰/۱	-	محله ۷
-	۰/۰۴	-	۰/۴	۵/۶	۱/۶	-	-	۱/۰	محله ۸
-	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۲/۳	۰/۱	۰/۳	۰/۰۵	۳/۶	محله ۹
-	۰/۰۵	-	۵/۸	۳/۰۳	۰/۸	۰/۳	۰/۰۳	۰/۲	محله ۱۰
-	۰/۰۱	-	۱/۵	۵/۵	۰/۵	-	۰/۱	-	محله ۱۱

مأخذ: (طرح تفصیلی شهر بابلسر: ۱۳۸۹).

جدول (۲) مبین آن است که هم بین سرانه کاربری‌های مختلف در یک محله و نیز در محلات مختلف در مقایسه با یکدیگر نوعی بی‌نظمی و عدم تعادل وجود دارد. به‌عنوان مثال، محله یک و محله هفت در بین محلات ۱۱ گانه کمترین سرانه از کاربری‌های مورد نظر را دارا می‌باشند و از طرف دیگر در محله سه به دلیل وسعت زیاد محله و جمعیت نسبتاً کم آن، سرانه کاربری‌ها در سطح بالاتری قرار دارد، طوری که این محله دارای همه کاربری‌ها به‌جز کاربری فرهنگی می‌باشد. تعیین کوتاه‌ترین فاصله به‌عنوان چهارمین مرحله^۱ از مدل آنالیز تاکسونامی (زیاری، ۱۳۸۵: ۱۴۷) در واقع نشان دهنده شباهت آنها به یکدیگر است که در هر ردیف، محله نزدیک‌تر به محله مورد مطالعه، «سایه یا شبه» و خود محله مورد مطالعه «مدل» نامیده می‌شود (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۲۴ و ۲۲۵). به‌عنوان مثال در این جدول به محله ۱، محله مدل و به محله ۱۱، محله سایه گفته می‌شود، در واقع این اطلاعات حاکی از آن است

^۱ عدم بیان مراحل مختلف در این مدل، به علت سادگی و عدم لزوم در بیان آن‌ها می‌باشد که در محاسبات پیشین صورت پذیرفته است.

که محله ۱ از نظر برخورداری از خدمات به محله ۱۱ نزدیک‌تر است. مرحله ششم از مدل آنالیز تاکسونومی، یافتن محله‌های همگن است. به عبارتی، محله‌هایی که فواصل آن‌ها بین دو حد بالا و پایین تاکسونومی قرار می‌گیرد، محله‌های همگن نامیده می‌شوند (آسایش، ۱۳۸۶: ۱۱۶ و ۱۱۷). وقتی کوتاه‌ترین فاصله یک محله از محلات دیگر از حد بالای به‌دست آمده بیشتر باشد، بدان معنی است که این محله به‌لحاظ توسعه یافتگی با دیگر محلات تفاوت زیادی دارد و نمی‌توان آن را در این گروه بررسی نمود. به‌منظور یافتن مناطق همگن می‌بایست فواصل «حد بالا» و «حد پایین» با استفاده از فرمول زیر تعیین شوند:

$$D+ = \overline{Dr} + 2sd$$

$$D- = \overline{Dr} - 2sd$$

$D+$ = حد بالای تاکسونومی، $D-$ = حد پایین تاکسونومی، \overline{Dr} = میانگین حداقل فواصل در

ماتریس و SD انحراف معیار حداقل فواصل در ماتریس (همان: ۱۱۶ و ۱۱۷)

اگر کوتاه‌ترین فاصله محلات از دیگر محلات کمتر از حد پایین باشد، بدین معنی است که فاصله آن‌ها کمتر از حدی است که بتوان تفاوتی بین آن‌ها نشان داد و تمام محلات بالای حد $d+$ و پایین حد $d-$ از نظر فاصله حذف می‌شود.

جداول ۳ و ۴ نشان دهنده سرمشق توسعه و درجه هر محله در برخورداری از خدمات عمومی شهری می‌باشد که مرحله هفتم و هشتم از مدل تاکسونومی و به‌عبارتی آخرین مرحله از مراحل مدل مذکور می‌باشد که مشخص می‌شود کدام محله از نظر برخورداری، دارای بالاترین رتبه است. هر مقدار C_{i0} (سرمشق توسعه) کوچک‌تر باشد، نشانه توسعه یافتگی آن محله است؛ یعنی فاصله این محله تا محله ایده‌آل کمتر می‌باشد. بالعکس، هرچه این مقدار بزرگتر باشد بدین معنی است که تا محله ایده‌آل فاصله زیادی وجود دارد، در نتیجه توسعه یافتگی کمی خواهد داشت. جدول (۴) نشان دهنده محله‌های ایده‌آل در هر یک از کاربری‌ها می‌باشد.

درجه برخوردای هر یک از محلات یا به‌عبارتی دیگر درجه برخورداری هر یک از محلات از خدمات عمومی شهری با استفاده از فرمول زیر محاسبه گردید:

$$Fi = \frac{C_{i0}}{C_0}$$

Fi : درجه توسعه یافتگی محله i ام C_{i0} : سرمشق توسعه محله i ام

درجه برخورداری و توسعه یافتگی به‌دست آمده، بین صفر تا یک خواهد بود. این عدد هر اندازه که به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برخوردای بهتر محله از خدمات عمومی شهری و هرچه به یک نزدیک‌تر باشد نشانه عدم برخوردای مناسب محله از خدمات و امکانات عمومی

شهری خواهد بود. با توجه به جدول (۵) که نشان دهنده رتبه و سطح بندی محلات شهر، براساس میزان برخورداری از خدمات عمومی شهری می باشد، محلات سه، دو و ده به ترتیب در بالاترین سطح و محلات پنج و یک و چهار در پایین ترین سطح قرار دارند (شکل ۲).

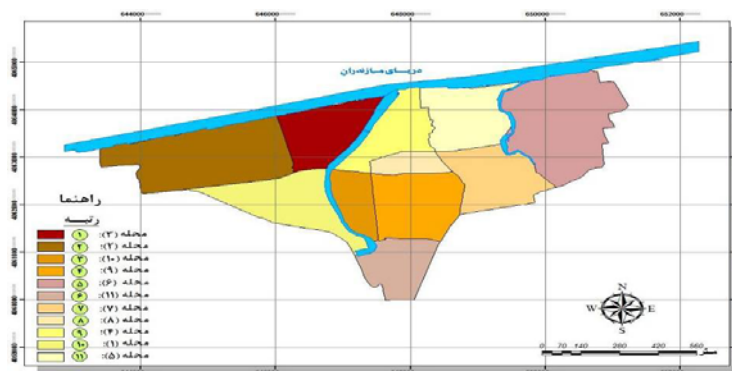
جدول (۳) کوتاه ترین فاصله هر محله با دیگر محلات

ردیف	محله	کوتاه ترین فاصله	کوتاه ترین فاصله با محله
۱	محله ۱	۱,۴۸۰۰۸۲۸۱۱	محله ۱۱
۲	محله ۲	۴,۹۸۳۳۲۲۷۵	محله ۷
۳	محله ۳	۵,۵۱۶۳۷۷۳۲۸	محله ۴
۴	محله ۴	۳,۲۸۲۰۴۹۰۰۲	محله ۱
۵	محله ۵	۳,۰۶۴۳۲۱۲۵۲	محله ۶
۶	محله ۶	۲,۴۵۱۰۸۲۱۷۳	محله ۱۱
۷	محله ۷	۲,۱۹۶۰۵۹۵۵۹	محله ۱
۸	محله ۸	۳,۰۴۶۱۲۷۱۶۹	محله ۶
۹	محله ۹	۳,۶۶۸۹۴۳۷۳۶	محله ۱۰
۱۰	محله ۱۰	۳,۶۶۸۹۴۳۷۳۶	محله ۹
۱۱	محله ۱۱	۱,۴۸۰۰۸۲۸۱۱	محله ۱
۱۲	انحراف معیار	-	۱,۲۱۶۳۵۲۵۷۴
۱۳	D+	-	۵,۴۸۴۶۹۶۳۳۲
۱۴	D-	-	-۰/۸۳۷۵۲۵۸۴۱

جدول (۴) محله هایی با بالاترین سرانه در هر یک از کاربری ها

کاربری	درمانی	بهداشتی	فرهنگی	مذهبی	تجاری	پارک و فضای سبز	ورزشی	جهانگردی و پذیرایی	خدماتی رفاهی
محله	محله ۹	محله ۲	محله ۱۰ و ۹	محله ۸	محله ۸	محله ۴	محله ۳	محله ۳	محله ۵

منبع: (طرح جامع شهر بابلسر: ۱۳۸۹).



شکل (۲) رتبه بندی محلات بابلسر از لحاظ برخورداری از خدمات شهری بر اساس نتایج آنالیز تاکسونومی (مأخذ: نگارندگان، بر اساس نتایج آنالیز تاکسونومی: ۱۳۹۰)

مقایسه سلسله مراتب جمعیتی و سلسله مراتب خدمات عمومی شهری

در این مرحله با توجه به این که از مراحل اصلی پژوهش حاضر، سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت است، پرسشی با این مضمون مطرح می‌شود که آیا بین سلسله مراتب جمعیتی و سلسله مراتب خدمات عمومی شهری محلات شهر بابلسر، رابطه‌ای منطقی وجود دارد؟ در واقع این بخش از بررسی، آزمون این دیدگاه نظری است که "در مطالعات نظام‌های سلسله مراتب شهری، عمدتاً رابطه مستقیمی بین اندازه جمعیتی شهرها و برخورداری شهروندان از سطح خدمات عمومی وجود دارد" (عظیمی، ۱۳۸۲: ۴۸). بررسی و شناخت این دو رابطه، به آگاهی از شکاف‌های موجود در سلسله مراتب خدماتی کمک می‌کند. به‌عنوان مثال اگر رابطه بین اندازه جمعیت و سلسله مراتب خدمات شهری، رابطه‌ای معناداری باشد آن‌گاه عدم برخورداری یک منطقه، شهر و یا محله، از یک خدمت می‌تواند نشانه کمبود و شکاف سلسله مراتب خدماتی در آن شهر باشد. بعلاوه اگر این رابطه معنی‌دار باشد، می‌توان نوع کمبود خدمات را با توجه به رابطه همبستگی در شکاف‌های موجود سلسله مراتب خدماتی تعیین کرد. امروزه با توجه به گسترش جمعیت شهری، ضرورت توجه همه جانبه به راهبردهایی مناسب جهت بهینه‌سازی زندگی شهروندان در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و فضایی، بیش از پیش آشکار می‌شود. اما جداول فوق بیانگر دو موضوع متفاوت در حیطه مدیریت و خدمات‌رسانی شهری و بحث دسترسی و عدالت اجتماعی می‌باشد. در این رابطه مطابق با اطلاعات موجود در جداول فوق، محله سه با ۵۰۳۲ نفر جمعیت، در رتبه اول برخورداری از خدمات عمومی شهری قرار دارد، درحالی‌که از حیث تعداد جمعیت حاضر در محله، در رتبه ششم می‌باشد، این درحالی است که محله پنج از لحاظ جمعیت با داشتن دومین رتبه در بین کل محلات یازده‌گانه، در رتبه یازدهم از حیث برخورداری خدمات عمومی شهری، دسترسی به خدمات و توسعه یافتگی قرار دارد. این محله درحالی حائز این جایگاه شده است که ۲۸۶۱ نفر بیشتر از محله سوم دارد. محله سوم با ۵۰۳۲ نفر جمعیت نفر در رتبه اول برخورداری از خدمات عمومی شهری قرار گرفته است. با نگاهی به جداول ۵ و ۶ و مقایسه محلات مختلف بویژه از حیث تعداد جمعیت و برخورداری از خدمات عمومی شهری موجود در آن‌ها، به‌سادگی می‌توان به ضعف تعادل و نظم در برخورداری محلات مختلف از این خدمات اساسی و پایه پی برد. چنان‌چه محله دهم درحالی‌که ۳۰۵۱ نفر (کمتر از نصف محله دوم) جمعیت دارد، در رتبه سوم از لحاظ درجه برخورداری از خدمات مختلف شهری قرار گرفته است. پراکنش ناصحیح خدمات عمومی شهری بویژه به‌لحاظ عدم توجه به فاکتور بسیار مهم جمعیت که به-

عنوان مهم‌ترین اصل در برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود، موضوعی است که در حال حاضر بنابر نتایج این پژوهش کاملاً نمود دارد. در این راستا مسئولین و مدیران شهری باید در مسیرکاهش و یا حل آن در جهت برنامه‌ریزی صحیح و اصولی خدمات عمومی شهری تلاش کرده و به نیازهای شهروندان و همچنین القای حس رضایتمندی به آنها بیش از پیش توجه نمایند.

جدول (۵) رتبه محلات براساس برخورداری از خدمات عمومی شهری

رتبه نهایی	درجه برخورداری (Fi)	سرمشق توسعه (Cio)	محل
۱۰	۰.۸۸۰۴۲۵۸۴۴	۸.۸۹۱۷۵۲۹۵۲	محل ۱
۲	۰.۶۸۷۰۰۹۹۷۲	۶.۶۳۲۸۷۴۲۰۵	محل ۲
۱	۰.۵۷۴۵۷۸۱۴	۵.۸۰۲۸۸۳۴۴	محل ۳
۹	۰.۸۷۹۹۲۱۷۸۳	۸.۸۸۶۶۲۳۵۵	محل ۴
۱۱	۰.۹۳۶۴۹۶۶۶۶	۹.۴۵۸۰۳۳۳۵۲	محل ۵
۵	۰.۸۰۲۰۴۲۷۵	۸.۱۰۰۱۵۳۳۵۰۵	محل ۶
۷	۰.۸۴۱۵۵۴۳۳۶	۸.۴۹۹۱۷۴۴۹۲۱	محل ۷
۸	۰.۸۷۰۷۶۰۲۴۸	۸.۷۹۴۲۶۴۵۳	محل ۸
۴	۰.۷۹۴۶۲۲۸۲۷	۸.۰۲۵۱۹۵۹۹۵	محل ۹
۳	۰.۷۷۰۰۸۶۰۹۳	۷.۷۷۷۳۹۰۱۵۸	محل ۱۰
۶	۰.۸۳۰۹۴۵۰۵۲	۸.۳۹۲۰۲۷۷۶۲	محل ۱۱
	-	۸.۱۴۲۳۴۲۵۲۲	میانگین
	-	۰.۹۷۸۵۱۷۴۸۷	انحراف معیار
	-	۱۰.۰۹۹۳۷۷۵	CO

منبع: (طرح جامع شهر بابلسر: ۱۳۸۹ و محاسبات نگارندگان)

جدول (۶) رتبه محلات بر اساس جمعیت

محل	رتبه از نظر جمعیت	جمعیت محل	محل	رتبه از نظر جمعیت	جمعیت محل
۲	۱	۷۸۹۳	۴	۷	۴۰۱۸
۵	۲	۵۳۵۵	۶	۸	۳۸۳۲
۹	۳	۵۰۳۲	۱	۹	۳۸۲۷
۷	۴	۴۶۴۶	۸	۱۰	۳۰۵۱
۱۱	۵	۴۷۰۲	۱۱	۱۱	۲۱۹۶
۳	۶	۴۵۳۹	-	-	-

منبع: (طرح جامع شهر بابلسر: ۱۳۸۹ و محاسبات نگارندگان)

بررسی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری براساس قابلیت دسترسی شهروندان

آنچه در این مرحله از پژوهش در زمینه بررسی وضعیت دسترسی شهروندان به خدمات عمومی شهری مورد توجه قرار گرفته، ارائه فرضیات و نیز توزیع پرسشنامه کوتاهی در میان ساکنین محلات مختلف شهر بابلسر در زمینه وضعیت دسترسی آن‌ها به خدمات مختلف

شهری از منزل و محل زندگی خود با توجه به مفهوم عدالت فضایی است که نتایج فرضیات و پرسشنامه در ذیل و در جداول شماره ۷ تا ۱۲ مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد میزان رضایت از خدمات شهری در بین محلات مختلف شهر بابلسر متفاوت می‌باشد.

جهت آزمون فرضیه فوق از آزمون کروسکال والیس (Kruskal-Wallis H) استفاده گردیده است. طبق جدول شماره (۷)، مقدار آزمون χ^2 (۱۱۴۵/۶۵۹) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین به لحاظ آماری میزان رضایت شهروندان در بین محلات مختلف شهر متفاوت می‌باشد و تفاوت معناداری بین رضایت از خدمات شهری بین شهروندان محلات شهر بابلسر وجود دارد.

جدول (۷) سنجش معناداری تفاوت میزان رضایت شهروندان از خدمات شهری با استفاده از آزمون

کروسکال والیس

Sig	df	chi-square	تفاوت میزان رضایت شهروندان در برخوردارگی از خدمات شهری بین محلات شهر
۰/۰۰۰	۱۰	۱۱۴۵/۶۵۹	

مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از پرسشنامه، ۱۳۹۰

با توجه به اینکه فرضیه در این آزمون، بدون جهت می‌باشد، جهت تفهیم بهتر موضوع یک جدول تقاطعی از میزان رضایت از خدمات شهری بین محلات مختلف ترسیم شد. نتایج برآمده از خانه‌های جدول دو بعدی نشان می‌دهد که شهروندان محله ۲ و ۱۰ بیشترین میزان رضایت را از خدمات عمومی شهری دارند. بطوریکه میانگین ۴/۲۳ از ۵، در محلات ۲ و ۱۰ بیانگر این واقعیت می‌باشد که شهروندان این دو محله میزان رضایت خود را از دسترسی به خدمات، زیاد و بسیار زیاد بیان نمودند. در مقابل شهروندان محله ۱ و ۵ کمترین میزان رضایت را از دسترسی به خدمات را داشتند. به طوریکه میانگین رضایت شهروندان محله ۱ از ۱/۹۶، از ۵ می‌باشد که نشان دهنده رضایت کم و بسیار کم شهروندان و میانگین رضایت ساکنان محله ۵، ۲/۰۲ از ۵ است که بیانگر رضایت کم آنها از دسترسی به خدمات عمومی شهری می‌باشد. در واقع بیش از ۸۰ درصد از شهروندان محله از دسترسی به خدمات ناراضی بودند. به نظر می‌رسد میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری عمومی محله در مقایسه با سایر محلات شهر دارای تفاوت معناداری است.

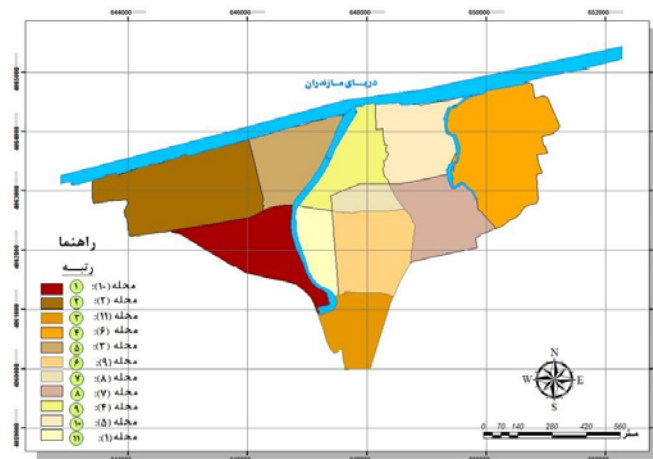
سنجش شاخص دسترسی، وابسته به تعیین برابری دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی است که نمودی از کیفیت زندگی و توزیع فرصت‌هاست. این عامل در بسیاری از موارد

باعث شکل‌گیری تفاوت در توزیع خدمات و شکل‌گیری تمایزات اجتماعی- اقتصادی در ساکنین محله‌های شهر شده و در نهایت سببی برای تشدید، چرخه بی‌عدالتی‌های فضایی است. در این بخش از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) جهت مقایسه میانگین میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری به تفکیک محله استفاده گردید.

جدول (۸) جدول تقاطعی تفاوت رضایت از خدمات شهر بین شهروندان محلات بابلسر

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	از شرایط موجود خدمات عمومی شهری ^۱ محله خود تا چه حد رضایت دارید؟				
						تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
محله ۱	۱	۹	۰/۹	۲۶	۱۹/۵	۳۴۱	۲۱/۹	۹۲	۱۴/۱	۱/۹۶
محله ۲	۱۵	۱۴۷	۱۴/۱	۷	۵/۳	۲۱	۱/۹	۱۷	۲/۶	۴/۲۳
محله ۳	۸/۳	۱۹۸	۱۸/۹	۴	۳	۲۶	۲/۴	۴۸	۷/۴	۳/۷۴
محله ۴	۲/۲	۶۱	۵/۸	۲۰	۱۵	۲۱۱	۱۹/۲	۶۰	۹/۲	۲/۴۳
محله ۵	۲/۲	۱۶	۱/۵	۹	۶/۸	۲۱۰	۱۹/۱	۱۱۷	۱۷/۹	۲/۰۲
محله ۶	۱۵	۹۶	۹/۲	۲	۱/۵	۴۷	۴/۳	۴۸	۷/۴	۳/۸۶
محله ۷	۵	۱۱۲	۱۰/۷	۰	۰	۹۴	۸/۵	۱۱۱	۱۷	۲/۷۹
محله ۸	۸/۶	۷۷	۷/۴	۱۴	۱۰/۵	۹۸	۸/۹	۸۴	۲	۳/۰۶
محله ۹	۱۱/۸	۱۰۹	۱۰/۴	۷	۵/۳	۶۲	۵/۶	۵۵	۸/۴	۳/۶
محله ۱۰	۱۶/۲	۱۲۱	۱۱/۶	۱۲	۹	۳۵	۳/۲	۱۰	۱/۵	۴/۲۳
محله ۱۱	۱۴/۷	۹۹	۹/۵	۳۲	۲۴/۱	۵۵	۱۴/۴	۱۰	۱/۵	۴/۰۳
کل	۱۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰	۱۳۳	۱۰۰	۱۰۴۵	۱۰۰	۱۲۵۰	۱۰۰	۳/۲۷

مأخذ: (استخراج از پرسشنامه، ۱۳۹۰)



شکل (۳) تفاوت رضایت از خدمات شهر بین شهروندان در محلات مختلف شهر بابلسر

مأخذ: نگارندگان، بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه: ۱۳۹۰

^۱ خدمات عمومی شهری در قالب جدولی در پرسشنامه بیان و برای شهروندان تبیین گردیده است.

جدول (۹) نتایج حاصل از آنالیز واریانس در ارتباط با میزان دسترسی شهروندان به خدمات به تفکیک محلات

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F آماره	سطح معنی‌داری
میزان دسترسی به خدمات به تفکیک محله	بین گروهی	۳۴۷۷/۵۴۱	۱۰	۳۴۷/۷۵۴	۱/۵۷۳	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۶۶۶۳/۴۵۸	۴۱۶۹	۱/۵۹۸	۲۱۷	
	کل	۱۰۱۴۰/۹۹۹	۴۱۷۹			

مأخذ: نتایج حاصل از پرسشنامه، ۱۳۹۰

نتایج حاصل از سطح معنی‌داری به دست آمده که کوچکتر از $0/05$ ($Sig: 0/000$) است، نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری در ارتباط با میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری تفکیک محله وجود دارد. آماره F نسبت برآورد پراکندگی بین گروهی و درون گروهی را نشان می‌دهد که هر چه مقدار آن بیشتر باشد، نمایانگر این موضوع است که اختلاف میانگین بین گروه‌ها بیشتر از اختلاف درون گروه‌ها بوده و در نتیجه احتمال رد فرضیه صفر و تأیید فرضیه تحقیق بیشتر می‌شود. به منظور تعیین دقیق اختلاف بین گروه‌ها، می‌توان از پس‌آزمون توکی Tukey بهره جست و اختلاف گروه‌ها را با یکدیگر مقایسه نمود.

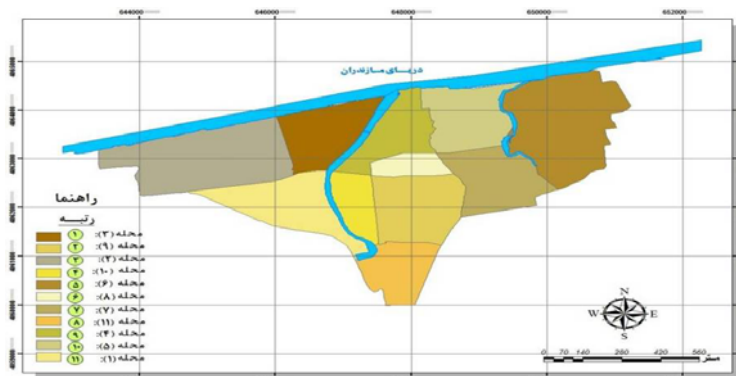
طبق نتیجه آزمون توکی (جدول موجود در ضمیمه)، از میان محلات شهری میانگین میزان دسترسی ساکنان محله ۱ به خدمات شهری کمتر از سایر محلات می‌باشد و تفاوت معناداری با آنها دارد. بطوریکه کمترین اختلاف میانگین را با محله ۵ و بیشترین اختلاف را با محله ۹ دارد. در این میان همچنین میانگین دسترسی به خدمات شهری شهروندان محله ۳ به غیر از محلات ۳ و ۹، از سایر محلات، بالاتر بوده و تفاوت معناداری با تمام محلات دارد، این در حالی است که دسترسی به خدمات شهری شهروندان محله ۳ نسبت به محله ۹ ($Sig: 1/000$) تفاوت معناداری ندارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی نشان می‌دهد که میانگین دسترسی شهروندان محله ۶ تفاوت معناداری نسبت به محلات ۷ ($Sig: 0/342$) و ۸ ($Sig: 1/000$) و ۱۰ ($Sig: 0/999$) و ۱۱ ($Sig: 0/178$) ندارد.

به نظر می‌رسد میزان رضایت از عملکرد مدیریت شهری در زمینه خدمات‌رسانی مناسب شهری در بین محلات مختلف شهر بابلسر متفاوت می‌باشد.

جدول (۱۰) جدول تقاطعی میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری عمومی محلات مختلف شهر

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
از شرایط موجود خدمات عمومی شهری ^۱ محله خود تا چه حد رضایت دارید؟					
محله	تعداد	درصد	تعداد	درصد	میانگین
محله ۱	۱۲	۱	۲۶	۱۹/۵	۱/۹۶
محله ۲	۱۸۸	۱۵	۷	۵/۳	۴/۲۲
محله ۳	۱۰۴	۸/۳	۴	۳	۳/۷۴
محله ۴	۲۸	۲/۲	۲۰	۱۵	۲/۴۳
محله ۵	۲۸	۲/۲	۹	۶/۸	۲/۰۲
محله ۶	۱۸۷	۱۵	۲	۱/۵	۳/۸۶
محله ۷	۶۳	۵	۰	۰	۲/۷۹
محله ۸	۱۰۷	۸/۶	۱۴	۱۰/۵	۳/۰۶
محله ۹	۱۴۷	۱۱/۸	۷	۵/۳	۳/۶
محله ۱۰	۲۰۲	۱۶/۲	۱۳	۹	۴/۲۲
محله ۱۱	۱۸۴	۱۴/۷	۹۹	۲۴/۱	۴/۰۲
کل	۶۵۲	۱۰۰	۱۲۳	۱۰۰	۳/۲۷

مأخذ: (استخراج از پرسشنامه، ۱۳۹۰)



شکل (۴) تفاوت میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری عمومی در محلات مختلف شهر

(مأخذ: نگارندگان، بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه: ۱۳۹۰)

امروزه از جهت گیری های اصلی مدیریت نوین شهری، توجه به اصل شهروندمداری و جلب رضایت آنان می باشد. در نظام مدیریت شهری کشور نیز میزان رضایت مردم از خدمات ارائه شده توسط دستگاه های دولتی به عنوان یکی از شاخص های اصلی سنجش کارآمدی و رشد و توسعه نظام که در بطن خود سلامت زیست و ارتقاء سطح زندگی افراد را در پی خواهد داشت از اهمیت بالایی برخوردار است. البته عوامل بسیاری مانند وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی،

^۱ خدمات عمومی شهری در قالب جدولی در پرسشنامه بیان و برای شهروندان تبیین گردیده است.

موقعیت قرارگیری منطقه و ... بستگی دارد که این عوامل در مجموع نوع انتظارات و میزان رضایت افراد از عملکرد دستگاه های دولتی بویژه مدیریت شهری را مشخص می نماید . جهت آزمون فرضیه فوق همانند فرضیه نخست از آزمون کروسکال والیس استفاده گردیده است. طبق جدول (۱۱) مقدار آزمون chi-square (۱۱۵۸/۸۴۵) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین به لحاظ آماری میزان رضایت از عملکرد مدیریت شهری در بین محلات مختلف شهر متفاوت می‌باشد و تفاوت معناداری بین رضایت از عملکرد شهری بین شهروندان محلات شهر بابلسر وجود دارد.

جدول(۱۱) سنجش معناداری تفاوت میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری با استفاده از آزمون کروسکال والیس

Sig معنی‌داری	df درجه آزادی	chi-square آماره	تفاوت میزان رضایت از عملکرد مدیریت شهری در بین محلات شهر
۰/۰۰۰	۱۰	۱۱۵۸/۸۴۵	

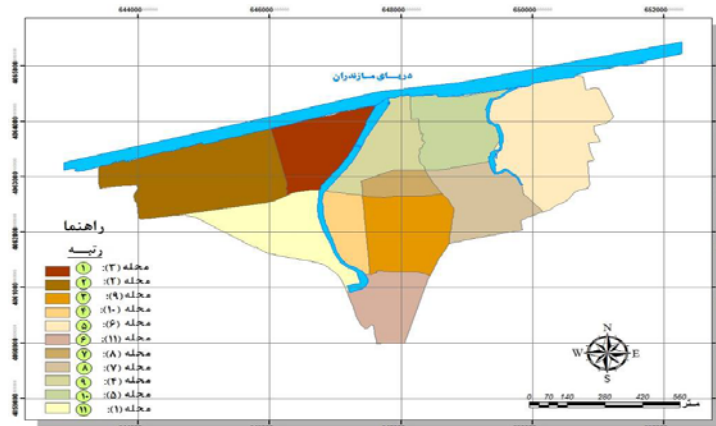
مأخذ(نگارندگان، نتایج حاصل از پرسشنامه، ۱۳۹۰)

در این فرضیه، جهت تفهیم بهتر موضوع، جدولی تقاطعی از میزان رضایت از عملکرد مدیریت شهری بین محلات مختلف ترسیم شد. نتایج برآمده از این جدول دو بعدی نشان می‌دهد، شهروندان محله ۲ و ۳ به ترتیب با میانگین ۴/۴۳ و ۴/۱۶ از ۵، بیشترین رضایت را از عملکرد مدیریت شهری در محلات خود دارند. این داده‌ها بیانگر این واقعیت می‌باشد که شهروندان این دو محله میزان رضایت خود را از عملکرد مدیریت شهری در محلاتشان، زیاد و بسیار زیاد بیان نمودند. در مقابل شهروندان محلات ۱ و ۵ کمترین میزان رضایت را از عملکرد مدیریت شهری در محلاتشان داشتند. به طوریکه میانگین رضایت شهروندان محله ۱، ۱/۳۳ از ۵ می‌باشد که نشان دهنده رضایت کم و بسیار کم شهروندان و میانگین رضایت ساکنان محله ۵، ۲/۰۷ از ۵ است که بیانگر رضایت کم آنها از عملکرد مدیریت شهری می‌باشد. چنانچه مشاهده می‌شود، این نتایج کاملاً منطبق با نتایج حاصل از مدل تاکسونومی می‌باشد که در واقع نشان می‌دهد که مدیریت شهری (بابلسر) تا حد زیادی نتوانسته است در توزیع بهینه خدمات شهری، آنگونه که شایسته و در بردارنده آرمان بلند عدالت فضایی برخوردار از خدمات شهری است عمل کند.

جدول (۱۲) جدول تقاطعی میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری در زمینه خدمات رسانی مناسب شهری در میان محلات مختلف شهر

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
وضعیت دسترسی شهروندان به خدمات شهری عمومی محله در مقایسه با سایر محلات شهر						
محله	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
محله ۱	۲۲	۱/۷	۲۷۸	۶/۶	۵۹	۰
محله ۲	۱۹۸	۱۴/۹	۳۰	۳/۶	۳۲	۳۳/۳
محله ۳	۲۱۱	۱۵/۹	۸	۱/۳	۱۲	۳/۵
محله ۴	۶۳	۴/۷	۱۱۹	۱۶/۴	۱۴۷	۱۰/۵
محله ۵	۱۲	۰/۹	۱۳۲	۲۳/۶	۲۱۲	۰
محله ۶	۱۴۹	۱۱/۲	۵۰	۸/۱	۷۳	۷
محله ۷	۱۲۸	۹/۶	۶۱	۹/۷	۸۷	۱۲/۳
محله ۸	۹۵	۷/۱	۶	۱۳/۸	۱۲۴	۱/۸
محله ۹	۲۰۲	۱۵/۲	۱۱	۱/۴	۱۳	۰
محله ۱۰	۱۲۸	۹/۶	۴۸	۵	۴۵	۲۲/۸
محله ۱۱	۱۲۱	۹/۱	۵۹	۱۰/۴	۹۳	۸/۸
کل	۸۰۲	۱۰۰	۱۳۲۹	۱۰۰	۱۰۹۵	۵۷

مأخذ: (استخراج از پرسشنامه، ۱۳۹۰)



شکل (۵) تفاوت رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری در زمینه خدمات رسانی مناسب شهری در میان محلات مختلف شهر (مأخذ: نگارندگان، بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه: ۱۳۹۰)

نتایج بررسی و تحلیل حدود ۴۱۸۰ پرسشنامه که مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده در میان ساکنین محلات یازده گانه شهر بابلسر است، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میزان برخورداری از خدمات عمومی شهری همچون خدمات بهداشتی (تنظیف معابر و فضای شهری،

جمع‌آوری و دفع زباله، کشتارگاه، گورستان و غسلخانه و مبارزه با آلودگی‌های زیست محیطی (خدمات رفاهی- تفریحی) (پارک‌ها، فضای سبز، فضاهای فرهنگی، تفریحی عمومی- خصوصی)، خدمات حفاظتی و ایمنی (آتش نشانی و خدمات ایمنی، لایروبی مسیرها و انجام امور دفاعی غیرنظامی) و خدمات حمل و نقل عمومی (ارائه خدمات ترافیکی و بهبود آن، و نظارت بر سامانه‌های حمل و نقل عمومی و نیمه عمومی و سایر خدمات مرتبط) (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۵)، و کیفیت دسترسی مردم ساکن در آن محل به خدمات مذکور و در نتیجه رضایت از زندگی افراد وجود دارد. به عنوان مثال مردم ساکن در محلات یک و پنج که به ترتیب رتبه‌های دهم و یازدهم برخوردار از خدمات عمومی شهری را در هر بابلسر به خود اختصاص داده‌اند، کمترین رضایت را در میان دیگر محلات شهر از بعد میزان رضایت شهروندان از وضعیت موجود خدمات عمومی شهری دارند. این درحالی است که محلات دو، ده و یازده با توجه به وضعیت مناسب محله خود از حیث وجود سرانه مناسب و توزیع بهتر خدمات مختلف عمومی شهری، دارای بالاترین میزان رضایت از وضعیت موجود خدمات عمومی شهری، بویژه از نظر دسترسی را نشان می‌دهد. در مجموع با توجه به جدول شماره (۸) و مصاحبه‌های مختلف صورت گرفته با مردم برخی محلات (مانند محلات ۴، ۵، ۸، ۱۰) مورد مطالعه حاکی از آن است که افراد ناراضی از وضعیت موجود خدمات عمومی شهری، از مجموع افرادی که اعلام رضایت خود را در این زمینه اعلام داشتند بیشتر می‌باشد. مسئله‌ای که با معیار دسترسی مناسب، عدالت فضایی و عملکرد مدیریت شهری در خدمات رسانی و تأمین زندگی همه ساکنین در زمینه سرویس‌دهی مناسب خدمات شهری عمومی، که در رأس آن شهرداری قرار دارد، منافات دارد. همچنین وضعیت خدمات شهری عمومی موجود محله در مقایسه با سایر محلات شهر، از دیگر موارد مهمی است که از دیدگاه ساکنین محلات مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت. نتیجه این بخش از پرسشنامه که توسط آزمون آنوا (ANOVA) سنجیده شده است جدول (۹)، نشان دهنده این واقعیت است که محلات یک، پنج و چهار، محلاتی بودند که در این زمینه، از کمترین دسترسی به خدمات را نسبت به سایر محلات برخوردار بودند. این درحالی است که این محلات بویژه محلات چهار و پنج از جمعیت نسبتاً زیادی برخوردارند که نیازمند دسترسی به خدمات مختلف می‌باشند. در این رابطه محلات سه، دو، نه و ده از محلاتی بودند که در این زمینه رضایت نسبی داشتند به گونه‌ای که غالب آن‌ها از وضعیت خدمات شهری عمومی محله خود در قیاس با سایر محلات شهر رضایت داشتند. نکته مهمی که در رابطه با جداول (۸) و (۱۰) قابل اشاره است، ارتباط آن با جدول (۵) در زمینه رتبه محلات بر اساس برخوردار از خدمات عمومی شهری و جدول (۶) که مربوط به رتبه محلات بر اساس جمعیت است، می‌باشد. به گونه‌ای که غالب محلات محروم

در بابلسر(با توجه به نتایج آنالیز تاکسونامی)، از شرایط موجود و از وضعیت خدمات شهری عمومی محله خود در قیاس با سایر محلات رضایت ندارند. بررسی کارکرد مدیریت شهری در زمینه خدمات‌رسانی مناسب و برقراری عدالت دسترسی به خدمات مختلف در میان محلات شهر، از دیگر پرسش‌هایی بود که در زمینه سنجش عدالت فضایی در برخورداری از خدمات عمومی شهری، از ساکنین محلات مختلف پرسیده شد. مسلماً عدم توانایی مدیریت شهری در پاسخگویی به نیاز شهروندان، می‌تواند نقطه آغازین برای پیدایش نابرابری‌های فضایی باشد. بنابراین تقسیمات درون شهری صحیح و همه‌جانبه یکی از عوامل مؤثر در نحوه توزیع کاربری‌های خدماتی با توجه به الگوی سلسله مراتبی آن‌هاست.

عدالت فضایی در شهر، زمینه ساز حفظ منافع گروه‌های عام و خاص جهت گسترش بهینه منابع شهر، درآمدها و هزینه‌هاست تا در راستای راهبرد "فقرزدایی" گام برداشته و در چشم انداز ترسیم شده، نظاره‌گر تبعیضات اجتماعی نباشیم. نتایج مطالعه در این زمینه که در جدول (۱۲)، قید شده است، نشان می‌دهد که محلات دو، سه، شش، نه و ده از عملکرد مدیریت شهری در زمینه خدمات‌رسانی مناسب رضایت دارند این در شرایطی است که نتیجه استفاده از آنالیز تاکسونامی نیز، وضعیت این محلات را در زمینه برخورداری از خدمات عمومی شهری را مطلوب نشان می‌دهد. اظهار رضایت ساکنین این محلات نیز گویای این واقعیت است. در طرف مقابل، بیشتر محلات مورد مطالعه از عملکرد مدیریت شهری رضایت نداشته و عملکرد شهرداری را به عنوان نماد مدیریت شهری، مطلوب نمی‌دانند. بسیاری از این افراد در مصاحبه با نگارندگان اعلام می‌داشتند که حتی در بسیاری از مواقع، خواسته‌های ناچیز مردم در این زمینه، از سوی شهرداری نادیده انگاشته می‌شود، مسئله‌ای که حس بی‌اعتمادی شدید مردم از شهرداری را ایجاد نموده است. در جمع‌بندی نهایی در این رابطه می‌توان گفت که امروزه عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر به عنوان یکی از قطب‌های مهم ساحلی و گردشگری شمال کشور، بویژه در ارتباط با جمعیت که مهمترین عنصر در برنامه‌ریزی‌ها و چشم‌اندازهای آتی توسعه شهری مب- باشد، وضعیت مناسبی ندارد و محلات پرجمعیت این شهر، در ارتباط با جمعیت خود به خدمات و کاربری‌های مختلف شهری دسترسی ندارند که نتیجه آن، همانگونه که در قسمت- های پیشین نیز از نظر گذشت، نارضایتی از کیفیت دسترسی به خدمات مختلف و در نهایت سطح نازلتر کیفیت زندگی در محلات مورد اشاره می‌باشد.

نتیجه گیری

در کنار آرمان توسعه و پیشرفت در فرآیند برنامه‌ریزی، وجود تعادل و هماهنگی بین نواحی مختلف در برخورداری از مواهب توسعه، امری ضروری است که در صورت عدم رعایت آن، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده نه تنها باعث توسعه نخواهد شد، بلکه نابرابری‌های موجود را عمیق‌تر نموده و باعث رشد غده‌ای و ناهماهنگ با توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی می‌گردد.

در این پژوهش به‌منظور استفاده از آمار سرانه کاربری‌ها، از تقسیمات درون شهری انجام گرفته در طرح تفصیلی شهر استفاده شده و میزان برخورداری محلات یازده‌گانه شهر بابلسر از خدمات عمومی شهری مورد بررسی قرار گرفت. در این ارتباط با توجه به اینکه جمعیت به عنوان مهم‌ترین عامل در تخصیص امکانات و خدمات مختلف شهری شناخته می‌شود، نتایج به دست آمده در این زمینه با استفاده از آنالیز تاکسونامی، نشان می‌دهد که نوعی بی‌نظمی در پراکنش خدمات مختلف شهری در شهر بابلسر، بویژه در رابطه با فاکتور بسیار مهمی چون جمعیت وجود دارد. همچنین نتایج بخش دیگری از بررسی حاضر که با استفاده از پرسشنامه در میان محلات یازده‌گانه شهر انجام شد، میزان و چگونگی برخورداری محلات مختلف از این خدمات را مغایر با اصول عدالت فضایی و اجتماعی می‌داند، زیرا وضعیت موجود خدمات شهری در عمل، رضایت برخی از اهالی محل بویژه محلات پرجمعیتی مانند محلات ۵ و ۴ و ۱ را فراهم نیاورده و همچنین موجب نارضایتی بیشتر اهالی محلات شهر، از خدمات موجود شده است. بنابراین اختصاص کاربری‌ها و خدمات مورد نیاز محلات بویژه محلات کم برخوردار و پرجمعیت جهت ارتقای کیفیت زندگی و رضایتمندی آنان در جهت کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی، مقوله‌ای ضروری و مهم می‌باشد که با مفهوم و معیارهای عدالت فضایی و اجتماعی به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه امروزی ارتباط مستقیمی دارد. بدیهی است توجه به مقوله عدالت فضایی در برخورداری مطلوب و دسترسی مناسب به خدمات مختلف عمومی شهری که باید متناسب با فاکتورهای مختلفی چون جمعیت در اختیار همگان باشد، می‌تواند راه‌گشای برنامه‌ریزان جهت تقویت محلات محروم‌تر، کاهش نابرابری‌ها، رضایت شهروندان از محیط زندگی و در نهایت موجب ثبات سیاسی و اقتدار ملی شود.

منابع و مأخذ

۱. آسایش، حسین (۱۳۸۶) اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات پیام نور، چاپ هشتم، تهران.
۲. بهروان، حسین (۱۳۸۶) آمایش فرهنگ و عدالت شهری در مناطق ۱۲ گانه شهر مشهد، محل انتشار: مشهد، مجموعه مقالات و کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، صص ۱-۲۸.
۳. حاتمی‌نژاد، حسین، فرهودی، رحمت‌ا... و مرتضی محمدپور جابری (۱۳۸۷) تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری مطالعه موردی: شهر اسفراین، انتشارات پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، صص ۸۵-۷۱، پاییز ۱۳۸۷، تهران.
۴. حسن‌زاده، رسول (۱۳۷۸) بررسی تجربه‌های خصوصی‌سازی خدمات شهری شهرداری‌ها، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاری‌ها، چاپ اول، تهران.
۵. حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۵) کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، یزد.
۶. داداش‌پور، هاشم، رستمی، فرامرز (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدال فضایی (مورد، شهر یاسوج)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره شانزدهم، صص ۱۹۸-۱۷۱.
۷. رجب‌پورکاری، حسن (۱۳۸۰) روند شکل‌گیری و توسعه فضایی شهر بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری.
۸. رهنما، محمد رحیم، لیس، آنا (۱۳۸۵)، اندازه‌گیری تغییرات دسترسی در منطقه مادر شهر سیدنی، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۷.
۹. زیاری، کرامت‌ا... (۱۳۸۵) برنامه‌ریزی شهرهای جدید، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
۱۰. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳) مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها، چاپ سوم، تهران.
۱۱. شکوئی، حسین (۱۳۸۳) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد پنجم، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. شیخی، محمد (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران.
۱۳. شیخی، محمد (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی شهروندی و آسیب‌شناسی شهری، نشر حدید، چاپ اول، تهران.
۱۴. صرافی، مظفر (۱۳۷۵) توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری، شماره ۳۵، انتشارات دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۱۵. طرح تفضیلی شهر بابلسر: ۱۳۸۹.
۱۶. عظیمی، ناصر (۱۳۸۲) روش‌شناسی شبکه سکونتگاه‌ها، انتشارات گستر، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.

۱۷. کامیار، غلامرضا (۱۳۸۷) *حقوق شهری و شهرسازی*، انتشارات مجد، چاپ سوم، تهران .
۱۸. کرم، امیر، محمدی، اعظم (۱۳۸۸) *ارزیابی و پهنه بندی تناسب زمین برای توسعه فیزیکی شهر کرج و اراضی پیرامونی بر پایه فاکتورهای طبیعی و روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)*، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال اول، شماره ۴، صص ۷۴-۵۹.
۱۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹ .
۲۰. مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی (۱۳۸۵) *آشنایی با فعالیت خدمات شهری شهرداریها*، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها، بابلسر.
۲۱. نوایی، محسن (۱۳۸۱) *برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهر بابلسر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران .
۲۲. وارثی، حمیدرضا، قائدرحمتی، صفدر و ایمان باستانی فر (۱۳۸۶) *بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت*، مطالعه موردی؛ مناطق شهر اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۶.

Kaphle, Isha. (2006) "*evaluating people's accessibility to public parks using Geographic Information Systems: A case study in Ames, Iowa*", Iowa State University, USA.

Liu.c.xu.m, Chen.s.an.jm and Yan.pl (2007) "*Assessing the impact of urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China*". Journal of Environmental Management, pp 597-606.

Lotfi, Sedigheh.Koohsari, Mohammad Javad. (2009) *Measuring objective accessibility to neighborhood facilities in the city (A case study: Zone6 in Tehran, Iran)*. Cities, Vol.26, pp: 133-140.

Martenz, Javier (2009) *The use of GIS and Indicators to Monitor Intra-Urban Inequalities, A case Study in Rosario, Argentina*, Habitate International, Vol33, No1, PP:387-396 .

Nam, Ng Yun Yu, Xi, Cho (2007) "*Spatial and temporal dynamics of urban sprawl along two urban-rural transects: A case study of Guangzhou, China*", Available online at www.sciencedirect.com. PP 96-109.

Qadeer, M.A., (2004) "*Urbanization by implosion*". Guest Editioial/Habitate International 28, PP.1-12.Sohel Rana M.D (2009) "*Status of water use sanitation and hygienic condition of urban slums: A study on Rupsha Ferighat slum, Khulna*", www.elsevier.com, pp.322-328.